



## هفته نامه آشفته: از نشریات پیشگام فکاهی و طنز مشهد

محمد زره ساز<sup>۱</sup>



### چکیده

در این مقاله، به معرفی هفته نامه آشفته چاپ مشهد پرداخته می شود که درحقیقت از پیشگامان نشریات طنز و فکاهی این شهر نیز به شمار می آید. این نشریه در دوران خفقان پهلوی اول و در بین سال های ۱۳۰۸ تا ۱۳۰۹ شمسی منتشر شده است. مطالب این نشریه در قالب سرمقاله، داستان دنباله دار، شعر، مطالب کوتاه، مطالب علمی و اجتماعی و اعلانات و اغلب با زبان طنز و با قلم عمادالدین آشفته صاحب امتیاز و مدیرمسئول آن تهیه می شده است و از این رو می توان این فرد را از پیشگامان عرصه طنزنویسی و فکاهی نویسی در مطبوعات خراسان نیز دانست. مطالب منتشر شده در آشفته اغلب رویکردی انتقادی داشته و اوضاع نابسامان آن روز ایران را مورد نقد قرار می دهند و از این جهت بازخوانی آنها برای شناخت محیط سیاسی و اجتماعی مشهد در آن دوران از اهمیت بالایی برخوردار است.

**کلیدواژه های موضوعی:** نشریات دوره قاجار، نشریات خراسان، نشریات طنز، نشریات فکاهی

### مقدمه

نشریه آشفته از جمله هفته نامه های طنز خراسان در دوران قاجار است که در هر شماره مجموعه ای از مطالب آگاهی بخش و انتقادی را منتشر می کرد. تا کنون اطلاعات بسیار اندکی از این نشریه در فهرست ها و منابع مرتبط با تاریخ

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری علوم کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاه فردوسی مشهد و سردبیر نشریه الکترونیکی شمسه، [mzerehsaz@gmail.com](mailto:mzerehsaz@gmail.com)



مطبوعات منتشر شده است و در این نوشته تلاش می‌شود تا با مراجعه به اصل منبع، ابعاد مختلف آن برای نخستین بار معرفی شود.

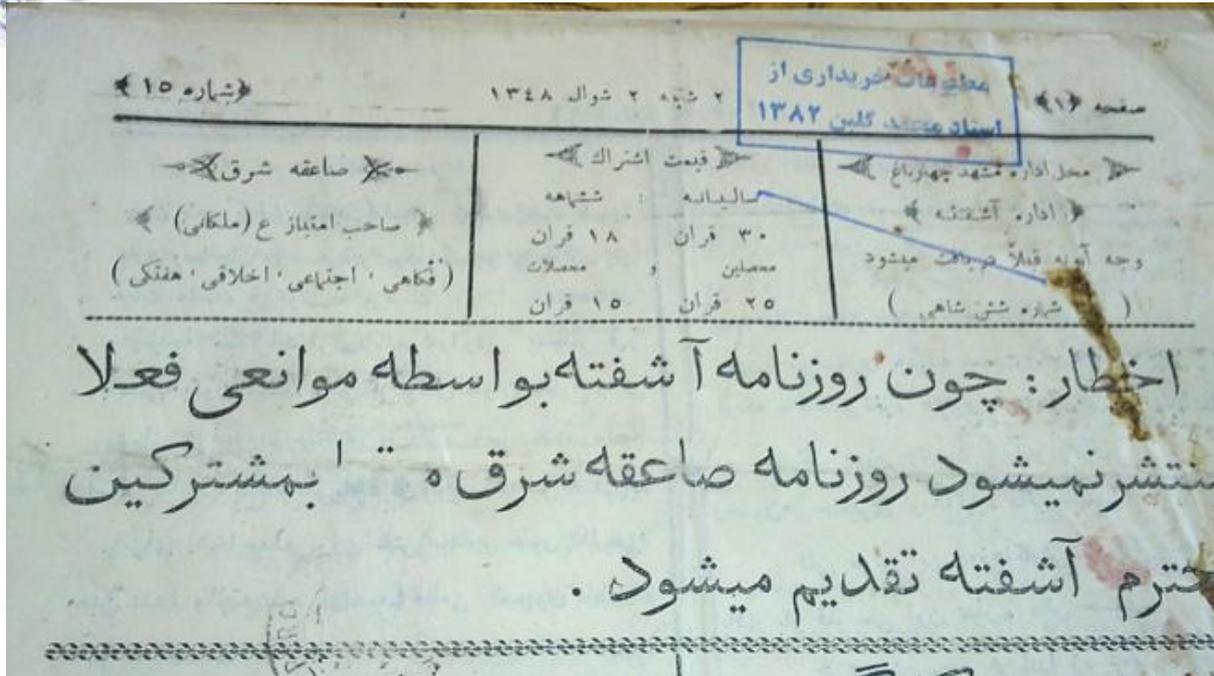
این نشریه در دوران خفقان پهلوی اول و در بین سال‌های ۱۳۰۸ تا ۱۳۰۹ شمسی منتشر شده است. شماره اول این نشریه ۲۷ آبان ۱۳۰۸ و شماره بیست و چهارم آن که آخرین شماره انتشارش در مشهد می‌باشد در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۰۹ شمسی منتشر شده است. عماد آشفته صاحب امتیاز و همه کاره این نشریه پس از آن رهسپار تهران شده و در سال ۱۳۱۰ انتشار نشریه ای جدید با سبک و قالبی متفاوت را با عنوان "جنگ آشفته" آغاز نمود. انتشار این نشریه تا پایان حیاتش یعنی ۱۳۳۶ ادامه داشت. (صدرهاشمی، ۱۳۶۳؛ برزین، ۱۳۷۱؛ ابوترابیان، ۱۳۶۶؛ شهوازی، ۱۳۸۳)

### مشخصات ظاهری نشریه

هر شماره از این نشریه در چهار صفحه و در قطع روزنامه ای منتشر می‌شده است. در سر صفحه شماره های نخست نشریه آشفته، سه ستون مشاهده می‌شود. در ستون میانی عنوان نشریه (آشفته) به صورت درشت درج شده است و در زیر آن سه واژه فکاهی، اجتماعی و هفتگی مشاهده می‌شود. در بالای عنوان نیز تاریخ شمسی و قمری ذکر شده است. در ستون سمت راست و در بالای صفحه، محل اداره را "مشهد- چهارباغ" معرفی کرده است. در این شماره ها، نام نگارنده و مدیرمسئول "س. عماد آشفته" معرفی شده و چنین ادعا شده که "وجه آبونه قبلا دریافت می‌شود". در پایین ستون سمت راست نیز نمره مسلسل نشریه مشخص شده است. در ستون سمت چپ، قیمت اشتراک بدین صورت آمده است: "قیمت تک شماره: ۶ شاهی، قیمت اشتراک سالیانه ۳۰ قران، ششماهه ۱۸ قران، خارجه بعلاوه اجرت پست". از شماره هفتم نشریه، تغییراتی در بالای صفحه نخست نشریه مشاهده می‌شود. از جمله آنکه کاریکاتوری به عنوان لوگوی نشریه انتخاب شده که در آن نوجوانی در حال توزیع نشریه به مخاطبان مشتاق و علاقمند است و گروهی زورمند و متمول به دنبال این نوجوان بوده تا وی را از این کار منصرف نمایند. این تصویر احتمالا می‌خواهد این مطلب را به خواننده القا کند که مطالب این نشریه در پی نقد اوضاع نابسامان آن روزگار است. از این شماره به بعد قیمت اشتراک خاصی برای محصلین و محصولات در نظر گرفته شده است که عبارتست از: اشتراک سالیانه ۲۵ قران و ششماهه ۱۵ قران.

در شماره های ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ نشریه، عنوان عوض شده و نشریه با عنوان صاعقه شرق منتشر شده است. در این شماره ها، توضیح زیر راجع به تغییر عنوان نشریه آورده شده است:

"اخطار: چون روزنامه آشفته بواسطه موانعی فعلا منتشر نمیشود روزنامه صاعقه شرق مرتبا بمشترکین محترم آشفته تقدیم می‌شود (دفتر آشفته)"



در این سه شماره صاحب امتیاز ع (ملکانی) و نگارنده (ع.آ) معرفی شده است. سبک و نوع مطالب این سه شماره با سایر شماره های آشفته تفاوت چندانی ندارد. از شماره ۱۵ به بعد نوع مطالب نشریه (فکاهی، اجتماعی، اخلاقی) ذکر شده است. این نشریه تا شماره ۱۵ در مطبعه نور و از این شماره به بعد در مطبعه ایران چاپ شده است. از شماره ۱۸ به بعد عنوان نشریه دوباره آشفته شده و تا پایان انتشار خود در مشهد با همین عنوان بوده است.

### محتوای نشریه آشفته

در این نشریه شاهد انتشار درصد زیادی مطالب در قالب طنز و فکاهی هستیم و شاید بدین سبب است که بتوان این نشریه را از پیشگامان نشریات طنز و فکاهی در شهر مشهد معرفی کرد.

بطور کلی مطالب آشفته را می توانیم به صورت زیر طبقه بندی کنیم:

#### • سرمقاله ها

در هر شماره از این نشریه یک سرمقاله با توجه به موضوعات مطرح در آن روزگار نوشته شده است. این مقاله ها گاه با زبان عامیانه و گاه نیز انتقادی نوشته شده اند. انتقادات این مطالب بیشتر به تقلید کورکورانه از غرب و عادات و رسوم خرافی مردم باز می گردد و کمتر انتقادی از وضعیت سیاسی آن دوران مشاهده می شود. نمونه ای از سرمقاله های این نشریه در زیر آورده می شود که نگارنده آن از انجام برخی ورزش های وام گرفته شده از دنیای غرب انتقاد می کند:



### باز خدا پدر الک دولک را بیامرزد

من از وقتی یادم میاد پدرها به بچه ها می گفتن الک دولک بازی نکنین به وقت الک می خوره تو چشمتون کور میشین. هر عاقلی هم که این حرف رو میشنید تصدیق میکرد. حالا میبینیم اروپائیها خودشون را صاحب علم و تمدن میدونن به بازیهای درست کردن که هزار رحمت به الک و دولک بازیه خودمون. باز خدا پدر و مادر الک دولک را بیامرزه . ما ایرونیها هم معطل این هستیم ببینیم اونها چکار میکنن فوری تقلید کنیم مثلا آقایون متمدنین اومدن اسمش رو ورزش گذاشتن و میگن برای حفظ الصحه خوبست؛ روبروی همدیگر و میگن بازیه (بکسر) تماشا کن. مردم چقدر بیکارن که کرور کرور میرن تماشا کنن که یک نفر در مقابل پلیس و سایر مردم چطور میزنه چشم اون یکی رو کور میکنه تا اونا بخندن و دست بززن، بطوریکه توی اروپا دیدم توی اشخاصیکه همیشه این کار رو میکنن به آدم سالم پیدا نمیشه، یکی چمش کور شده؛ از صد و نود و نه تا دماغشون پهن شده از صد و هفتادتا دندونهای جلوشون ریخته، بعضی ها لب شکری شدن اونوقت اسم این کار رو حفظ الصحه گذاشتن و خودشون رو هم متمدن میدونن تا حالا هم یک نفر پیدا نشده به اینها بگه بابا این میمون بازیها خیلی بده بلکه در عوض مدارس مخصوص هست که در اونجا معلم این بازی رو که به جنایت شبیه تره تا بازی با سایر اقسام بازیها به شاگردها یاد میده. حالیه ما از وزارت معارف خودمون تمنا میکنیم محض رضای خدا هم که شده این بازی به خصوص رو قدغن کنن زیرا ما ایرونیها از بس اصول تربیتمون بده زشت هستیم دیگه لازم نیست زشت تر بشیم.

### • اشعار طنز

در هر شماره از نشریه چند شعر طنز منتشر شده است که عموماً راجع به مسائل عادی و روزمره زندگی آن روزگار می باشد از جمله آنها می توان به اشعاری با عناوینی چون "در مدح حضرت وافور"، "یکی به من بگه دوماه خوشگلگه"، "تا شوهراتون بمیرن براتون"، "عروس و مادر شوهر"، "حالا هر شب پی عیش و نوشه"، "ای امان از دست مادر شوور" و ... اشاره کرد. در زیر یکی از نمونه های نادر اشعار طنز این نشریه آورده شده است که در آن شاعر به اوضاع خفقان آور آن روزگار اشاره می کند:

### همه رفتند خواب آشفته

دوش دیدم بخواب آشفته	که نشسته جناب آشفته
قلمی را گرفته اندر دست	مینویسد کتاب آشفته
گفتمش چیست آنکه بنویسی	کرد با من خطاب آشفته
آنچه اینجا نوشته ام باشد	همه حرف حساب آشفته
گفتمش گوش کن که تا گویم	به شما یک جواب آشفته ...
هر که حرف حساب زد آخر	میکشندش طناب آشفته
گفت میل تو بر چه میباشد	گفتمش بر کباب آشفته



• مطالب کوتاه طنز

در این نوع مطالب، نگارنده تلاش کرده است تا به صورت موجز به یکی از معضلات و نابسامانی های زندگی به- ویژه در شهر مشهد بپردازد. این مطالب عموماً انتقادی و گاه با زبان عامیانه نگاشته شده اند. در زیر چند نمونه از این مطالب آورده شده است:

ریون ایکس

آقای دکتر شخصی را که فرستاده بودید تا در تحت اشعه مجهوله (ریون ایکس) عکس شکمش را برداشته بفرستم، روز قبل یک شکم تنها به اداره ما وارد و تا غروب هرچه انتظار کشیدیم صاحبش پیدا نشد لیکن امروز یکساعت بظهر یکنفر با قد کوتاه و سری تراشیده و صورتی پهن به اداره آمده ادعا میکرد که صاحب آن شکم است، چون مدرکی در دست نداشت و هوا سرد بود از معاینه معذور البته بهار وقتیکه هوا خوب میشود مراجعه نموده اطاعت خواهد شد.

(ماموران ریون ایکس)

\*\*\*\*\*

اطلاع

آقای دکتر لیخوارد و هفمان که در مریضخانه آمریکائی مشغول تحصیل تجربه میباشند اخیراً برای آنکه واکسین (آنتی تیفوس) را امتحان نمایند بخانم وجیه الدوله رکنی که مبتلا بمرض تیفوس بوده تزریق نموده و مریضه را از زحمت ادامه حیات آسوده نموده اند.

\*\*\*\*\*

جنگ

هفته گذشته خاکروبه و کثافات محله نوغان، کوچه جدیدها، کوچه عیدگاه و کوچه پشت مدرسه دو در با میکرب های مرض، تیفوئید، تیفوس و مالاریا مشغول زد و خورد و در نتیجه تمام میکروب ها دفع و نابود شده اند.

\*\*\*\*\*

استعفا

حضرت (عزرائیل) در هفته گذشته استعفاى خود را بدربار احدیت تقدیم و اظهار داشته است با بودن مریضخانه آمریکائی و همکاران عزیزم دکتر لیخوارد و هفمان وجود من بی فائده است.

\*\*\*\*\*

دوربین



رنود خیراندیش در زمان غیبت ما به اداره آمده و ذره بین دوربین ما را شکسته اند. خوشبختانه حالا یکی را دوتا می بیند. مثلا در عین حال که می بینم آقای شکم لو پشت میز خود نشسته و مشغول نوشتن کلمات (میرزا خلیلی بابیل و زنبیل و مرغ ابابیل یا میکائیل) است در همین حال هم مثل گلوله توپهای قدیم مشغول چرخیدن به اینطرف و آنطرف و سعایت نمودن از ماست ... کاملا

مامور دوربین

#### • داستان های دنباله دار طنز

در این نشریه شاهد انتشار چند داستان دنباله دار طنز هستیم که در هر شماره تنها یک یا دو پارگراف از آن داستان منتشر شده است. از جمله این داستان های دنباله دار طنز می توان به "مسافرت به قطب طهران" و "مذاکرات دختر باسواد با مادر و خواستگارها" اشاره کرد.

#### • مطالب علمی و اجتماعی

در این نشریه گاه یک سری مطالب علمی به صورت دنباله دار و یا در یک تک شماره با عناوینی چون "اخلاق"، "مانیتیسیم"، "بهترین طریقه حفظ کردن مطالب" و ... مشاهده می شود. البته تعداد این نوع مطالب به نسبت سایر مطالب طنز و فکاهی این نشریه بسیار اندک و درصد کمی را از کل شامل می شود.

#### • ستون اختصاص یافته به آثار بانوان

در شماره ۱۳ نشریه ستونی برای مطالب ارسالی بانوان اختصاص داده شده است . مدیر نشریه از بانوان تقاضا کرده است تا مطالب خود را برای نشریه ارسال کنند تا به صورت هفتگی در این ستون نشریه منتشر شوند. اما این آخرین شماره ای از نشریه است که ما شاهد انتشار این ستون اختصاصی برای آثار ارسالی بانوان هستیم و انتشار این ستون در شماره های دیگر ادامه پیدا نکرد.

#### • آگهی ها و اعلانات

در این نشریه شاهد انتشار آگهی ها و اعلانات مختلفی هستیم که در زیر چند نمونه از آنها آورده شده است. تلاش شده تا لحن این آگهی ها متفاوت و طنزانه باشد.



## اعلان

مرده شورخانه مشهد مثل سایر ممالک متمدنه بیرون شهر نیست اگر آقایون غریب و تازه وارد خدانکرده زبونم لال، احتیاجی به موسسه فوق الذکر پیدا کردند به مرکز شهر جنب بازار بزرگ مراجعه فرمایند.

\*\*\*\*\*

برادران خلیق- بهترین فرم تعلیمی های چوبی و خیزران فرنگ باندازه و نمرات مختلف از اجناس تازه وارد ما است. اگر اندکی توجه فرمایید خریداری هر یک از ارقام آن با قیمت های مناسبی که تعیین گردیده از لوازم ضروری و مایحتاج صرف شما است.

## عماد عصار کیست؟

سید عماد الدین عصار از مطبوعاتی های دوره پهلوی در سال ۱۲۷۶ شمسی در شهر تهران پا به عرصه وجود می گذارد. راجع به ایشان اطلاعات بسیار اندکی در منابع مطبوعاتی وجود دارد ولی آنچه مسلم است آن است که ایشان نویسنده، روزنامه نگار، شاعر و عکاسی زنده بوده و در دنیای مطبوعات مسئولیت های مختلفی را تجربه کرده است. وی صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر نشریاتی همچون آشفته، جنگ آشفته و یویو بود. وی نوشته های فکاهی خود را اغلب با نام مستعار ع. راصع منتشر می کرد. در جوانی برای ادامه تحصیل به اروپا سفر کرد. اما پس از مدتی از تحصیل در اروپا منصرف گردید و تنها به یادگیری علم هیپنوتیزم و مانیتیزم نزد استادان اروپایی پرداخت. بعد از بازگشت به ایران به شوق آموزش هیپنوتیزم به هندوستان سفر کرد. در زمانی که پدرش، سید محمد به خراسان تبعید شد او نیز مدت پنج سال در مشهد نزد پدر زندگی کرد و در ۱۳۰۸ خورشیدی امتیاز هفته نامه (آشفته) را گرفت. عصار در کارهای فکاهی راصع امضا می کرد که عکس کلمه عصار، یعنی نام خانوادگی اوست. عماد عصار همچنین در سال ۱۳۲۵ هفته نامه سیاسی، اجتماعی "دانستنیها" را با امتیاز آشفته و با همراهی حسین خلیلی فر منتشر کرد.

از عماد عصار متخلص به (ع) یا ع راصع، بعنوان یکی از قدیمی ترین عکاسان مشهد نیز نام برده شده است که در بخش تجاری عکس نمی گرفت. به گفته آقای گلشن آزادی او هر وقت بی پول می شد برای گذران معاش هم عکاسی می کرد. (ترابی، ۱۳۸۳، ص ۵۳) وی پس از مشهد به تهران رفت و در آنجا نیز مجله آشفته را منتشر کرد که از لحاظ ظاهر و نوع مطالب با نشریه آشفته مشهد کاملا متفاوت است و به نوعی می توان این دو را دو نشریه مستقل در نظر گرفت.

با اینکه از عماد عصار نوشته های بسیاری در نشریاتی که خودش منتشر می کرده است باقی مانده است، اما اطلاعات بدست آمده درباره زندگی او چندان زیاد نیست. از قرائن چنین برمی آید که درب نشریاتش همواره به روی شاعران و نویسندگان جوان گشوده بوده است و بسیاری از شاعران و نویسندگان مطرح دوران های بعد، نخستین فعالیت های قلمی خویش را در نشریاتی چون آشفته و یویو و... آغاز کرده اند. از جمله این افراد می توان به ناصر انقطاع (۱۳۸۶) اشاره نمود که در زندگینامه خودنوشت خویش، به شروع فعالیت هایش زیر نظر عماد عصار و در نشریات وی اشاره کرده



است. استاد محمدحسین شهریار نیز در زندگینامه خودنوشت خود از عماد عصار و مجله او یعنی آشفته نام برده و ماجرای رفتن خود به همراه عماد عصار به منزل ملک الشعراء بهار را که در آنجا به تشویق ملک الشعراء شهریار به عنوان تخلص وی برگزیده می‌شود شرح می‌دهد<sup>۲</sup>. (شهریار؛ نیک اندیش، ۱۳۷۰)

علاوه بر سرمقاله‌ها و مقالات بی‌شماری که عماد الدین عصار در مطبوعات و نشریات مختلف، از جمله نشریاتی که به مدیر مسئولی و سردبیری خودش بودند، منتشر می‌کرد برخی آثار او به صورت کتاب نیز انتشار یافته‌اند که از جمله شاخص‌ترین آنها، کتاب باشرف‌ها می‌باشد که نخست به صورت پاورقی چاپ می‌شد و از سال ۱۳۲۵ خورشیدی انتشار آن آغاز شده بود. این کتاب در سه جلد و زیرنظر خود عصار منتشر شد و انتشار جلد سوم آن که جلد پایانی آن بود، در فروردین ماه ۱۳۲۷ خورشیدی پایان یافت. از جمله دیگر تالیفات باقی مانده از او، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: «اسرار حقه‌بازی»؛ «اشتباهات خنده‌آور»؛ «اندیشه‌های یک مغز پوک»؛ «راهنمای بایگان»؛ «عدالت بشر، درام»؛ «محاكمه‌ی ارواح متفقین در آن دنیا»؛ «محاكمه‌ی تبهکاران جنگ آلمان»؛ «محاكمه‌ی عشق و جنون و شهوت»؛ «والده‌ی آقا مصطفی»؛ «اشتباهات»؛ «خواب آشفته»

اغلب مطالب نشریه آشفته نیز به قلم سیدعماد الدین آشفته تهیه می‌شد و وی که در آن روزها در آغاز راه مطبوعاتی خود به سر می‌برد تمام تلاش خود را برای ارائه بهترین مطالب در قالب طنز و فکاهی انجام می‌داد. به عبارتی می‌توان وی را از پیشگامان عرصه طنزنویسی و فکاهی نویسی در مطبوعات خراسان نیز دانست.

سرانجام این مطبوعاتی کهنه کار در سال ۱۳۳۶ و پس از سال‌ها فعالیت فرهنگی و مطبوعاتی در تهران رخ در نقاب خاک کشید<sup>۳</sup>.

## منابع و مآخذ

ابوترابیان، حسین (۱۳۶۶). **مطبوعات ایران از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶**. ... تهران: اطلاعات.

انقطاع، ناصر (۱۳۸۶). **پنجاه سال تاریخ با پان ایرانیستها: آرمان خواهان و آرمان فروشان**. تهران: دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران.

برزین، مسعود (۱۳۷۱). **شناسنامه مطبوعات ایران**. تهران: بهجت.

ترابی، نسرین (۱۳۸۳). **عکاسخانه ایام**. تهران: کلهر، ۱۳۸۳، ص ۵۳.

شهریار، محمدحسین؛ نیک اندیش، بیوک (۱۳۷۰). **خاطرات شهریار با دیگران**. تهران: سهیل.

<sup>۲</sup> مدخل عماد عصار در ویکی‌پدیا،



نشریه الکترونیکی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

دوره ۳۴ شماره ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۸  
پیاپی ۱۳۹

شهبازی، ستار (۱۳۸۳). راهنمای مطبوعات خراسان از آغاز تا امروز. - مشهد: بانگ الست.

صدرهاشمی، محمد (۱۳۶۳). تاریخ جراید و مجلات ایران. اصفهان، کمال.

